

# سرپرستی کودکان بدسرپرست و شرایط کودک آزاری

Photo: Flynt/bigstock.com

موسی برزین خلیفه‌لو، وکیل خانه امن

**پرسشگر:** من در مورد مشکلاتی که برای خواهرزاده‌هایم پیش آمده است از شما راهنمایی می‌خواستم. خواهرم یک سال قبل به دلیل بیماری سرطان درگذشت. دو فرزند پسر یکی ۸ ساله و دیگری ۰۱ ساله از او به یادگار مانده است. دامادمان که به دلیل شرایط کاری‌اش دائما در سفر است و بسیار کم به خانه می‌آید، نگهداری از فرزندان را به خواهرش واگذار کرده است. پس از مرگ خواهرم، خواهرزاده‌هایم مدتی با من زندگی کردند اما پدرشان در نهایت بچه‌ها را به خواهر خودش سپرد. بعضی وقت‌ها که برای دیدن بچه‌ها می‌رفتم، احساس می‌کردم که نگرانی و مشکل دارند. چندین بار مساله را از خواهر دامادمان پرسیدم و او جواب داد که چون مادرشان فوت کرده است ناراحتند. اما در نهایت از یکی از اقوام دامادمان شنیدم که عمه بچه‌ها آن‌ها را اذیت می‌کند. حتی بچه‌ها را در کارگاه لباس‌دوزی شوهرش مشغول به کار کرده است. یعنی پس از مدرسه آن‌ها را به کارگاه برده و مجبور به کار کردن می‌کند. هم‌چنین متوجه شدم که بچه‌ها در خانه و کارگاه مورد اذیت و آزار قرار گرفته و با آن‌ها بدرفتاری می‌شود. این موضوع را از خود بچه‌ها پرسیدم و آن‌ها تایید کردند. مساله را به دامادمان گفتم اما او توجهی نشان نداد و گفت که طبیعی است و کار کردن هم بد نیست. خودش هم به ندرت بچه‌ها را می‌بیند و نمی‌تواند از آن‌ها سرپرستی کند. خواهرم قبل از مرگش بارها از من خواسته بود که مواظب بچه‌ها باشم اما دامادمان اجازه نمی‌دهد بچه‌ها با من زندگی کنند. چه کار می‌توانم بکنم؟ آیا اگر به دادگاه بروم قاضی به من که خاله بچه‌ها هستم سرپرستی را می‌دهد؟

**وکیل خانه امن:** متاسفم از وضعیت پیش آمده برای خواهرزاده‌های‌تان. سوال‌تان را باید از جنبه‌های مختلف پاسخ داد. اولین مساله این‌که اذیت و آزار کودکان و بی‌توجهی به بهداشت و سلامتی و آموزش آن‌ها در قانون جرم است. طبق مواد ۲ و ۴ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۸۱: «ماده ۲- هر نوع اذیت و آزار کودکان و نوجوانان که موجب شود به آنان صدمه جسمانی یا روانی و اخلاقی وارد شود و سلامت جسم یا روان آنان را به مخاطره اندازد ممنوع است. ماده ۴- هرگونه صدمه و اذیت و آزار و شکنجه جسمی و روحی کودکان و نادیده گرفتن عمدی سلامت و بهداشت روانی و جسمی و ممانعت از تحصیل آنان ممنوع و مرتکب به سه ماه و یک روز تا شش ماه حبس و یا تا ده میلیون ریال جزای نقدی محکوم می‌گردد.» بنابراین چنان‌چه شما بتوانید مسائلی را که گفتید اثبات کنید، دادگاه مرتکب را محکوم به مجازات خواهد کرد. به کارگیری کودکان نیز ممنوع است و از این بابت نیز حق شکایت دارید. هم‌چنین اگر مسئول حضانت از انجام تکالیف خود خودداری کند مجرم خواهد بود. طبق ماده ۴۵ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱: «هرگاه مسئول حضانت از انجام تکالیف مقرر خودداری کند یا مانع ملاقات طفل با اشخاص ذی‌حق شود، برای بار اول به پرداخت جزای نقدی درجه هشت و در صورت تکرار به حداکثر مجازات مذکور محکوم می‌شود.»

کودک آزاری از جمله جرائم عمومی است و نیازی به شکایت شاکی خصوصی نیست بنابراین شما می‌توانید با مراجعه به دادگستری از مرتکبان خشونت علیه خواهرزاده‌های‌تان به جرم کودک آزاری و از دامادتان به جرم خودداری از وظایف حضانت شکایت کنید. دادگاه تحقیقات لازم را در این مورد به عمل آورده و اگر تشخیص دهد که کودک آزاری رخ داده است مرتکب یا مرتکبان را به مجازات مقرر در قانون محکوم خواهد کرد.

**پرسشگر:** در مورد سرپرستی بچه‌ها چطور؟ آیا می‌توانم سرپرستی بچه‌ها را بگیرم؟

**وکیل خانه امن:** قبل از هرچیز توجه داشته باشید که ولی قهری بچه‌ها پدرشان است و ایشان مسئول نگهداری و سرپرستی کودکان است. بنابراین هرگونه طرح دعوی حقوقی باید به طرفیت پدر بچه‌ها صورت گیرد. طبق ماده ۳۷۱۱ قانون مدنی: «هرگاه در اثر عدم مواظبت یا انحطاط اخلاقی پدر یا مادری که طفل تحت حضانت اوست، صحت جسمانی و یا تربیت اخلاقی طفل در معرض خطر باشد، محکمه می‌تواند به تقاضای اقربای طفل یا به تقاضای قیم او یا به تقاضای رئیس حوزه قضائی هر تصمیمی را که برای حضانت طفل مقتضی بداند اتخاذ کند.» بنابراین با توجه به این ماده، شما می‌توانید با طرح دعوا عدم صلاحیت دامادتان موضوع را پیگیری کنید. دادگاه در این مورد به تشخیص خود تصمیم‌گیری خواهد کرد. اگر دادگاه تشخیص دهد که دامادتان صلاحیت سرپرستی را ندارد ممکن است ناظر و امینی برای نظارت تعیین کند. و اگر تشخیص دهد که حضانت کودکان با ضم امین و ناظر نیز تامین نمی‌شود کودکان بدسرپرست شناخته شده و مشمول قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست خواهند شد. در این صورت شما می‌توانید برای سرپرستی بچه‌ها تقاضا کنید. دادگاه اگر شما را صالح تشخیص دهد و اقربای نزدیک‌تر دیگری نیز آماده برای حضانت نباشند، سرپرستی کودکان را ممکن است به شما واگذار کند. بند دال ماده ۸ و ماده ۰۱ [قانون](#) مذکور در این مورد است. توجه کنید که تشخیص این‌که بچه‌ها بدسرپرست هستند یا نه و هم‌چنین تعیین سرپرست جدید با دادگاه خواهد بود.

لازم به ذکر است مرجع صالح به رسیدگی و سلب حق حضانت و انتقال به دیگری بر اساس ماده ۴ قانون حمایت خانواده با دادگاه خانواده است.

## عدم حمایت از کودکان بدسرپرست در سایه فراموشی نمایندگان مجلس

رییس انجمن مددکاری کشور با بیان اینکه لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان پنج سال است که در مجلس شورای اسلامی معطل مانده است، گفت: در صورت تصویب این لایحه در مجلس شورای اسلامی، ایران جزو پیشروترین کشورها در خصوص حمایت از حقوق کودک خواهد بود.

سید حسن موسوی چلک، با بیان این نکته که هیچ کودک بدسرپرستی نداریم که حکم قضایی برای حمایت از وی صادر شده و در نوبت دریافت خدمات باشد، گفت: بر اساس قانون حمایت از کودکان، ابلاغی سال 1392، بهزیستی تمامی وظایف مورد تاکید در این قانون را انجام می دهد.

وی بیان کرد: بهزیستی گسترده ترین خدمات را در رابطه با حمایت از کودکان بدسرپرست دارد و این خدمات شامل شناسایی، حمایت در خانه، حمایت در مراکز غیردولتی و دولتی و توانمندسازی کودک است.

رییس انجمن مددکاری کشور با تاکید بر اینکه هیچ منع قانونی برای حمایت از کودکان بدسرپرست وجود ندارد، عنوان کرد: کودک بدسرپرست به اورژانس اجتماعی و بعد به دستگاه قضایی ارجاع داده می شود.

موسوی چلک اظهار کرد: در صورتی که مددکار احساس کند کودک در معرض آسیب قرار دارد، اورژانس اجتماعی بر اساس قانون می تواند ورود پیدا کند و ظرف مدت 12 ساعت موضوع را به سیستم قضایی ارجاع دهد.

رییس انجمن مددکاری کشور در پاسخی در خصوص علت ناشناخته ماندن بسیاری از کودکان بدسرپرست که تحت هیچ حمایتی قرار ندارند و حتی به عنوان کودک بدسرپرست نیز شناسایی نشده اند، گفت: بهزیستی بر اساس قانون حمایت از کودکان بدسرپرست، وظایف خود را به صورت کامل انجام می دهد. هیچ مانع قانونی برای حمایت از این کودکان نداریم. هر زمانی کودکی به هر دلیل بدسرپرست گزارش داده شده و به اورژانس ارجاع داده شود، موضوع از طریق سیستم قضایی بررسی می شود.

وی تاکید کرد: مجالس ادوار گذشته تاکنون متأسفانه نقش مطالبه گری و سیاست گذاری خود را در رابطه با حمایت از حقوق اجتماع از جمله حقوق کودکان بدسرپرست به خوبی ایفا نکرده اند، در حالی که این موضوع از وظایف مجلس شورای اسلامی است.

منبع: ایسنا

## دالان فراموشی کودکان بدسرپرست؛ گمشده در

blacqbook/bigstockphoto.com

کودکانی که بدون حمایت جدی و تاثیرگذار قابل توجهی، در کارگاه ها به سختی کار می کنند، در شرایطی که باید در این مقطع سنی، کودکی، شیطنت و بازی کنند تا بستر و زمینه شکل گیری شخصیت آنها در لابه لای این کودکانه ها رشد پیدا کند. کارشناسان و صاحب نظران، معتقدند، یکی از نیازهای جدی و اساسی کودکان بدسرپرست در این برهه به پشتیبانی موثر معطوف می

شود، حمایت‌هایی که حصول آن مستلزم فراهم شدن بسترهای قانونی و ضوابط تعیین شده مشخص است. در کشور ایران، برای نخستین بار قانون حمایت از کودکان بد سرپرست و بی سرپرست در سال 1353 هجری شمسی به تصویب رسید، البته نباید از نظر دور داشت که برخی قوانین حمایتی از کودکان پیش از این به تصویب رسیده اما متأسفانه آنچنان که باید کار ساز به نظر نمی‌رسد.

از نمونه‌های این ضوابط به قانون حمایت از کودکان و نوجوانان باز می‌گردد که در 9 ماده و در سال 1381 به تصویب رسیده اما در مقام اجرا و عمل، نتوانسته آنچنان که انتظار می‌رود پاسخگوی مطالبات برحق کودکان بی سرپرست باشد.

### انتظار 7 ساله برای تصویب لایحه ای کارشناسی شده

در سال 1388 با ارسال لایحه ای حمایتی از کودکان بد سرپرست و بی سرپرست توسط قوه قضائیه به مجلس شورای اسلامی امیدها بار دیگر در دلها زنده شد تا از این منظر بابتی گشوده شود تا شاید عرصه و روزنه ای برای این طیف آسیب پذیر باز شود، لایحه ای که برخی کارشناسان عنوان کرده اند، از تجربیات 40 کشور جهان در این لایحه الگو برداری شده است.

حسن موسوی چلک، رئیس انجمن مددکاری اجتماعی کشور در گفتگویی با رسانه‌ها که در روزنامه جام جم منتشر شد در این خصوص عنوان کرد: با سپری شدن عمر دو مجلس در دوره متوالی همچنان شاهدیم لایحه مذکور به تصویب نرسیده است.

وی معتقد است در صورت تأیید، تصویب و اجرای این لایحه بسیاری از مشکلات کودکان بد سرپرست یا بی سرپرست مرتفع خواهد شد. آنچنان که رئیس مددکاران اجتماعی کشور می‌گوید: در صورت اجرای تنها 30 درصد از این قانون، بخش قابل توجهی از چالش‌های پیش روی این طیف (کودکان بد سرپرست یا بی سرپرست) رفع و دفع می‌شود.

آنچنان که این مقام مسئول و کارشناس مسائل اجتماعی عنوان کرده، رفع و مدیریت مشکلات چنین کودکانی با لحاظ کردن حمایت‌ها و پشتیبانی لازم، توانمندسازی، آموزش و اعمال برخورد قاطعانه با افرادی که از این کودکان بهره‌کشی می‌کنند محقق خواهد شد.

### از ایدز تا قاچاق مواد مخدر

آسیب‌ها و تهدیداتی که متوجه این کودکان است صرفاً به مهجور ماندن آنها از کودکانه‌های شیرین خاص به این دوران خلاصه نمی‌شود، بلکه متأسفانه بعضاً اخبار و گزارشاتی به گوش می‌رسد که نشان دهنده عمق تهدیدی است که سایه آن بر قامت چنین کودکانی سنگینی می‌کند.

استفاده از آنها برای حمل و قاچاق مواد مخدر و برخی سو استفاده‌های دیگر باعث شده تا زمینه انحراف و ظهور و بروز آسیب‌ها و چالش‌های هر چه بیشتر همچون ایدز یا حمل و فروش مواد مخدر در آنها تشدید شود.

قاسم ساعدی، عضو مجلس شورای اسلامی و دانش‌آموخته جامعه‌شناسی در این ارتباط معتقد است: جامعه نباید در قبال چنین اقشاری (کودکان بد سرپرست) اهمال یا کم‌کاری کند.

وی افزود: به واقع تشدید اثرات و تبعات این معضل می‌تواند جامعه را با بحران‌ها و چالش‌های بسیار سهمگینی مواجه سازد که رفع و مدیریت آن مستلزم تأمین هزینه‌های بسیار سنگین و اقداماتی گسترده و متنوع است.

### لزوم افزایش هر چه بیشتر شفافیت‌های قانونی

تسلسل باطل بازگردانده شدن کودک بد سرپرست از کارگاه‌ها و شرایط سخت کار یکی از نارسایی‌های موجود در ارتباط با کودکان بد سرپرست، به سیکل و تسلسل باطلی معطوف می‌شود که چنین کودکانی آن را تجربه می‌کنند.

مکرراً و به دفعات پیش آمده که مددکاران با شناسایی کودکان بد سرپرست، مانع فعالیت سنگین آنها در کارگاه‌های صنعتی، تولیدی و... می‌شوند.

اما این روند ادامه دار نیست و متأسفانه بعد از مدتی سرپرست کودکان با ورود خود، این افراد را از بهزیستی باز پس می‌گیرند و متأسفانه مجدداً در چنین کارگاه‌هایی به فعالیت مجدد اقدام می‌کنند.

در این میان شفافیت قانونی، تعریف و اجرای ساز و کاری که ریسک بکارگیری چنین کودکانی در کارگاه‌ها را سوی کارفرمایان و والدین و سرپرست آنها تشدید کند ضرورتی اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد.

در پایان باید به نقش بسیار موثر آموزش و فرهنگ‌سازی در جامعه ایرانی برای سهولت پذیرش فرزندان بد سرپرست یا بی سرپرست از سوی متقاضیان اشاره کرد که در نوع خود عنصری بسیار تعیین‌کننده در برخورداری کودکان از سرپرستان کارآمد و معقول به شمار می‌رود.

منبع: [خبرنگاران جوان](#)

## رها شده والدین زندانی، کودکان

Photo: soupstock/Bigstock.com

موسی برزین خلیفه‌لو، پژوهشگر حقوق

گرچه مجازات زندان یکی از موثرترین و پذیرفته‌شده‌ترین واکنش‌های کیفری در قبال جرم است اما این مجازات اثرات سوئی هم نسبت به اطرافیان شخص مجسوس دارد. مهم‌ترین آن، تاثیرات زیان‌بار نسبت به کودکی است که والدینش محکوم به مجازات حبس شده‌اند. زندانی شدن فردی که دارای فرزند است، بدون شک آسیب‌هایی را به زندگی کودک وارد کرده و رشد و تعالی کودک را به مخاطره می‌اندازد. چه بسا اگر مجازات حبس پدر یا مادر طولانی‌مدت باشد، آینده کودک ممکن است تحت‌الشعاع محکومیت والدین قرار گیرد. به عبارتی حبس پدر و مادر مجازاتی است علیه کودکی که هیچ گناه و جرمی انجام نداده است. به همین منظور ضروری است تا حد ممکن اثرات زندان والدین بر کودکان آن‌ها رفع شده و قوانین، تدابیر حمایتی برای این کودکان بیاندیشند.

مساله زمانی وخیم‌تر می‌شود که هر دو والدین کودک به زندان محکوم شوند و یا یکی از آن‌ها محکوم و دیگری فوت کند و یا صلاحیت لازم برای سرپرستی را نداشته باشد. بسیار مشاهده شده است که هر دو والدین در حالی که چندین فرزند بدون حامی دارند محکوم به زندان شده‌اند و کودکان آن‌ها بدون سرپناه و سرپرست مورد سوءاستفاده و آزار و اذیت دیگران قرار گرفته‌اند. در این گونه موارد قطعاً لازم است در راستای حمایت از کودکان تدابیری اندیشیده و نسبت به وضعیت آن‌ها تعیین تکلیف شود. اگر پدر و مادر هر دو راهی زندان شوند چه کسی باید مخارج کودک را تامین کند؟ نگهداری و تربیت کودکان بر عهده چه کسی خواهد بود؟ اگر کودکان سرپناهی نداشته باشند تکلیف آن‌ها چیست؟

در حقوق ایران مقررات مشخصی در این زمینه وجود ندارد و چندین ماده ناکافی در این مورد وضع شده است. این مواد مطلقاً نمی‌تواند حمایت‌گر کودکانی باشد که والدین آن‌ها در زندان به سر می‌برند. در این نوشته به بررسی وضعیت حقوقی کودکانی خواهیم پرداخت که هر دو والدین آن‌ها محکوم به حبس شده و یا یکی از والدین در حبس بوده و دیگری به دلیل فوت یا مساله دیگری امکان نگهداری و سرپرستی از کودک را ندارد.

## تعویق مجازات

در مواردی به دلیل وجود فرزند خردسال ممکن است مجازات حبس مادر به تعویق بیافتد. بر اساس ماده ۱۰۵ قانون آیین دادرسی کیفری اجرای مجازات در موارد زیر به تشخیص و دستور قاضی اجرای احکام به تعویق می‌افتد:

۱ - دوران بارداری

۲ - پس از زایمان حداکثر تا شش ماه

۳ - دوران شیردهی حداکثر تا رسیدن طفل به سن دو سالگی

همان‌طور که از ماده مشخص است این حکم مختص به مادر و حداکثر تا دو سالگی طفل است. هم‌چنین تشخیص این مساله هم بر عهده قاضی اجرای احکام گذاشته شده است. گرچه این ماده گامی مثبت برای حمایت از نوزادانی است که مادرشان محکوم به حبس شده است اما این حکم مخصوص نوزادان شیرخواره است.

## ضم امین

بر اساس قانون مدنی ایران ولی قهری طفل پدر و جد پدری است. ولی قهری وظایف خاص خود را نسبت به کودک دارد از جمله تامین هزینه‌های کودک و تصمیم‌گیری راجع به امورات مالی و غیر مالی او. قانون‌گذار در قانون مدنی مقرر کرده است که اگر ولی قهری به سبب حبس نتواند وظایف خود در قبال کودک را انجام دهد یک نفر امین برای انجام وظایف او تعیین خواهد شد. بر طبق ماده ۷۸۱۱ قانون مذکور «هرگاه ولی قهری منحصر به واسطه غیبت یا حبس به هرعلتی که نتواند به امور مولی‌علیه رسیدگی کند و کسی را هم از طرف خود معین نکرده باشد حاکم یک نفر امین به پیشنهاد مدعی‌العموم برای تصدی و اداره اموال مولی‌علیه و سایر امور راجع به او موقتاً معین خواهد کرد.»

در این ماده نیز صرفاً مسائل مربوط به ولایت کودک به هنگامی که ولی در زندان باشد مورد اشاره قرار گرفته و حکمی در مورد این که اگر مادر طفل هم در زندان باشد و یا فوت کرده و یا به هر علتی قادر به حضانت نباشد مقرر نشده است.

## تصمیم دادگاه به هنگام عدم مواظبت والدین

در قانون مدنی ایران پیش‌بینی شده است که هرگاه والدین نتوانند از طفل تحت حضانت خود نگهداری کنند، دادگاه تصمیمات لازم را نسبت به طفل خواهد گرفت. بر طبق ماده ۳۷۱۱ قانون مدنی «هرگاه در اثر عدم مواظبت یا انحطاط اخلاقی پدر یا مادری که طفل تحت حضانت اوست، صحت جسمانی و یا ترتیب اخلاقی طفل در معرض خطر باشد، محکمه می‌تواند به تقاضای اقربای طفل و یا به تقاضای قیم او یا به تقاضای رئیس حوزه قضائی هر تصمیمی را که برای حضانت طفل مقتضی بداند، اتخاذ کند.»

گرچه در ادامه ماده مصادیق عدم مواظبت و انحطاط اخلاقی آمده و اشاره‌ای به حبس والدین نشده است، اما از آنجا که این مصادیق تمثیلی هستند، می‌توان گفت حبس‌های درازمدت نیز می‌تواند از موارد عدم مواظبت باشد. در این هنگام دادگاه والدین را فاقد صلاحیت اعلام کرده و می‌تواند به تشخیص خود سرپرستی کودک را به اقربا یا سازمان‌های ذی‌ربط از جمله سازمان بهزیستی واگذار کند. لازم به ذکر است اگر کودک جد پدری داشته باشد، از آنجا که جد ولی قهری محسوب می‌شود، در صورت صالح بودن وی کودک به او سپرده خواهد شد. در مورد این که دادگاه چه تصمیمی باید در این گونه موارد اتخاذ کند، به نظر می‌رسد قانون جدید آیین دادرسی کیفری در مورد اطفال زیر دو سال تعیین تکلیف کرده است. بر اساس ماده ۳۲۵ این قانون «اطفال تا سن دو سال تمام را نباید از مادری که محکوم به حبس یا تبعید شده است جدا کرد، مگر آن که مصلحت طفل اقتضاء کند. در این صورت کودک به پدر و در صورت فقدان یا عدم صلاحیت وی به ترتیب به جد پدری یا وصی آن‌ها و یا نزدیکان وی با رعایت مراتب ارث و در صورت فقدان یا عدم صلاحیت آنان، به مؤسسات ذی‌صلاح سپرده می‌شود.»

همان‌طور که از متن ماده پیداست این حکم صرفاً مخصوص اطفال زیر دو سال است و کودکان بالای ۲ سال را در بر نمی‌گیرد.

### بدرپرست شناخته شدن کودک

چنانچه پدر و مادر کودکی به زندان محکوم شوند یا یکی از والدین به زندان محکوم شود و دیگری نیز به هر دلیلی امکان نگهداری و سرپرستی از کودک را نداشته باشد و همچنین جد پدری نیز وجود نداشته یا فاقد صلاحیت باشد و مساله حضانت کودک از طریق ضم امین نیز مرتفع نشود، ممکن است کودک بدرپرست شناخته شده و مشمول قانون جدید حمایت از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بدرپرست گردد. در این هنگام در صورت تقاضای سرپرستی نسبت به طفل با در نظر گرفتن شرایط قانونی، کودک به متقاضیان سپرده خواهد شد. بر طبق بند دال ماده ۸ قانون مذکور «سپردن سرپرستی افراد موضوع این قانون در صورتی مجاز است که دارای یکی از شرایط ذیل باشند: ... د- هیچ یک از پدر، مادر و جد پدری آنان و وصی منصوب از سوی ولی قهری صلاحیت سرپرستی را نداشته باشند و به تشخیص دادگاه صالح این امر حتی با ضم امین یا ناظر نیز حاصل نشود. «هم‌چنین ماده ۱۰۱ نیز در این راستا تأکید داشته است که» در کلیه مواردی که هیچ یک از پدر، مادر یا جدپدری یا وصی منصوب از سوی ولی قهری صلاحیت سرپرستی را ولو با ضم امین یا ناظر نداشته باشند، دادگاه می‌تواند مطابق این قانون و با رعایت مواد (۴۸۱۱) و (۷۸۱۱) قانون مدنی و با اخذ نظر مشورتی سازمان، مسؤولیت قیم یا امین مذکور در این مواد را به یکی از درخواست‌کنندگان سرپرستی واگذار نماید.»

با توجه به مواد فوق می‌توان گفت حبس والدین می‌تواند صلاحیت سرپرستی والدین را سلب کرده و تحت شرایطی کودک را در وضعیت حقوقی بدرپرستی قرار دهد. اگر دادگاه چنین امری را تشخیص دهد، بر اساس قانون مذکور سرپرستی کودک یا به متقاضیان سرپرستی واگذار و یا نهادهایی همچون سازمان بهزیستی داده می‌شود.

در پایان لازم است اشاره شود گرچه قوانین ایران مقرراتی را راجع به موضوع بحث پیش‌بینی کرده‌اند اما این مقررات مبهم و ناقص هستند و نمی‌توانند حقوق کودکانی را که والدین آن‌ها محکوم به حبس شده‌اند تأمین کنند. از طرف دیگر همین مقررات ناقص نیز در عمل به دلیل نبود زیرساخت‌ها و نظارت‌های لازم مورد توجه قرار نمی‌گیرند و کودکان با این وضعیت به حال خود رها می‌شوند.

---

## تقاضای سرپرستی کودکان بدرپرست

Photo: Flynt/Bigstock.com

موسی برزین خلیفه‌لو، وکیل خانه امن

**پرسشگر:** من در مورد مشکلاتی که برای خواهرزاده‌هایم پیش آمده است از شما راهنمایی می‌خواستم. خواهرم یک سال قبل به دلیل بیماری سرطان درگذشت. دو فرزند پسر یکی ۸ ساله و دیگری ۱۰ ساله از او به یادگار مانده است. دامادمان که به دلیل شرایط کاری‌اش دائماً در سفر است و بسیار کم به خانه می‌آید، نگهداری از فرزندان را به خواهرش واگذار کرده است. پس از مرگ خواهرم، خواهرزاده‌هایم مدتی با من زندگی کردند اما پدرشان در نهایت بچه‌ها را به خواهر خودش سپرد. بعضی وقت‌ها که برای دیدن بچه‌ها می‌رفتم، احساس می‌کردم که نگرانی و مشکل دارند. چندین بار مساله را از خواهر دامادمان پرسیدم و او جواب داد که چون مادرشان فوت کرده است ناراحتند. اما در نهایت از یکی از اقوام دامادمان شنیدم که عمه بچه‌ها آن‌ها را اذیت می‌کند. حتی بچه‌ها را در کارگاه لباس‌دوزی شوهرش مشغول به کار کرده است. یعنی پس از مدرسه آن‌ها را به کارگاه برده و مجبور به کارکردن می‌کند. هم‌چنین متوجه

شدم که بچه‌ها در خانه و کارگاه مورد اذیت و آزار قرار گرفته و با آن‌ها بدرفتاری می‌شود. این موضوع را از خود بچه‌ها پرسیدم و آن‌ها تایید کردند. مساله را به دامادمان گفتم اما او توجهی نشان نداد و گفت که طبیعی است و کارکردن هم بد نیست. خودش هم به ندرت بچه‌ها را می‌بیند و نمی‌تواند از آن‌ها سرپرستی کند. خواهرم قبل از مرگش بارها از من خواسته بود که مواظب بچه‌ها باشم اما دامادمان اجازه نمی‌دهد بچه‌ها با من زندگی کنند. چه کار می‌توانم بکنم؟ آیا اگر به دادگاه بروم قاضی به من که خاله بچه‌ها هستم سرپرستی را می‌دهد؟

**وکیل خانه امن:** متاسفم از وضعیت پیش آمده برای خواهرزاده‌های‌تان. سوال‌تان را باید از جنبه‌های مختلف پاسخ داد. اولین مساله این‌که اذیت و آزار کودکان و بی‌توجهی به بهداشت و سلامتی و آموزش آن‌ها در قانون جرم است. طبق مواد ۲ و ۴ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۸۳۱: «ماده ۲ - هر نوع اذیت و آزار کودکان و نوجوانان که موجب شود به آنان صدمه جسمانی یا روانی و اخلاقی وارد شود و سلامت جسم یا روان آنان را به مخاطره اندازد ممنوع است. ماده ۴ - هرگونه صدمه و اذیت و آزار و شکنجه جسمی و روحی کودکان و نادیده گرفتن عمدی سلامت و بهداشت روانی و جسمی و ممانعت از تحصیل آنان ممنوع و مرتکب به سه ماه و یک روز تا شش ماه حبس و یا تا ده میلیون ریال جزای نقدی محکوم می‌گردد.» بنابراین چنان‌چه شما بتوانید مسائلی را که گفتید اثبات کنید، دادگاه مرتکب را محکوم به مجازات خواهد کرد. به کارگیری کودکان نیز ممنوع است و از این بابت نیز حق شکایت دارید. هم‌چنین اگر مسئول حضانت از انجام تکالیف خود خودداری کند مجرم خواهد بود. طبق ماده ۴۵ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۹۳۱: «هرگاه مسئول حضانت از انجام تکالیف مقرر خودداری کند یا مانع ملاقات طفل با اشخاص ذی‌حق شود، برای بار اول به پرداخت جزای نقدی درجه هشت و در صورت تکرار به حداکثر مجازات مذکور محکوم می‌شود.»

کودک‌آزاری از جمله جرائم عمومی است و نیازی به شکایت شاکی خصوصی نیست بنابراین شما می‌توانید با مراجعه به دادگستری از مرتکبان خسونت علیه خواهرزاده‌های‌تان به جرم کودک‌آزاری و از دامادتان به جرم خودداری از وظایف حضانت شکایت کنید. دادگاه تحقیقات لازم را در این مورد به عمل آورده و اگر تشخیص دهد که کودک‌آزاری رخ داده است مرتکب یا مرتکبان را به مجازات مقرر در قانون محکوم خواهد کرد.

**پرسشگر:** در مورد سرپرستی بچه‌ها چطور؟ آیا می‌توانم سرپرستی بچه‌ها را بگیرم؟

**وکیل خانه امن:** قبل از هرچیز توجه داشته باشید که ولی قهری بچه‌ها پدرشان است و ایشان مسئول نگهداری و سرپرستی کودکان است. بنابراین هر گونه طرح دعوی حقوقی باید به طرفیت پدر بچه‌ها صورت گیرد. طبق ماده ۳۷۱۱ قانون مدنی: «هرگاه در اثر عدم مواظبت یا انحطاط اخلاقی پدر یا مادری که طفل تحت حضانت اوست، صحت جسمانی و یا تربیت اخلاقی طفل در معرض خطر باشد، محکمه می‌تواند به تقاضای اقربای طفل یا به تقاضای قیم او یا به تقاضای رئیس حوزه قضائی هر تصمیمی را که برای حضانت طفل مقتضی بداند اتخاذ کند...» بنابراین با توجه به این ماده، شما می‌توانید با طرح دعوا عدم صلاحیت دامادتان موضوع را پیگیری کنید. دادگاه در این مورد به تشخیص خود تصمیم‌گیری خواهد کرد. اگر دادگاه تشخیص دهد که دامادتان صلاحیت سرپرستی را ندارد ممکن است ناظر و امینی برای نظارت تعیین کند. و اگر تشخیص دهد که حضانت کودکان با ضم امین و ناظر نیز تأمین نمی‌شود کودکان بدسرپرست شناخته شده و مشمول قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست خواهند شد. در این صورت شما می‌توانید برای سرپرستی بچه‌ها تقاضا کنید. دادگاه اگر شما را صالح تشخیص دهد و اقربای نزدیک‌تر دیگری نیز آماده برای حضانت نباشند، سرپرستی کودکان را ممکن است به شما واگذار کند. بند دال ماده ۸ و ماده ۱۰۱ **قانون** مذکور در این مورد است. توجه کنید که تشخیص این‌که بچه‌ها بدسرپرست هستند یا نه و هم‌چنین تعیین سرپرست جدید با دادگاه خواهد بود.

لازم به ذکر است مرجع صالح به رسیدگی و سلب حق حضانت و انتقال به دیگری بر اساس ماده ۴ قانون حمایت خانواده با دادگاه خانواده است.

## ۰۰۴ کودک بی‌سرپرست در استان سیستان و بلوچستان سر و سامان گرفتند

مدیرکل بهزیستی سیستان و بلوچستان گفت: از ابتدای امسال تاکنون ۰۰۴ کودک بی‌سرپرست استان دارای سرپرست شدند.

محمدرضا سراوانی در گفت‌وگو **ایسنا** افزود: سازمان بهزیستی برای واگذاری کودکان بی‌سرپرست یا بدسرپرست به خانواده‌های متقاضی



دارای شرایط لازم با هیچ گونه مشکل و محدودیتی رو به رو نیست و خانواده‌های متقاضی می‌توانند برای سرپرستی کودک اقدام کنند.

وی ادامه داد: در حال حاضر بالغ بر هفت مرکز دولتی و غیردولتی در استان مشغول نگهداری از کودکان بی‌سرپرست و یا بدسرپرست هستند که مراکز خصوصی با هزینه‌های غیردولتی برای نگهداری از این افراد اقدام کرده‌اند اما با این وجود سازمان بهزیستی نیز برای هر کودک مبلغی نزدیک بر ۰۷۲ هزار تومان یارانه به آن مرکز پرداخت می‌کند.

سراوانی گفت: سرپرستی نوزادان و کودکان به دو روش واگذار می‌شود، در روش اول واگذاری سرپرستی نوزاد تحت عنوان فرزندخواندگی است، در این روش پس از تایید صلاحیت مراجع قضایی سرپرستی نوزاد به زوج‌هایی که بالغ بر ۵ سال از زندگی آنان گذشته باشد و دارای فرزند نشده باشند واگذار می‌شود، در این نوع واگذاری نام نوزاد را نیز سرپرست انتخاب و سپس برای آن شناسنامه صادر می‌شود.

وی افزود: روش دوم واگذاری سرپرستی کودکان با سن بیشتر است، در این روش خانواده‌هایی که حتی دارای فرزند هم هستند می‌توانند به عنوان خانواده جایگزین و یا امدادبگیر سرپرستی کودک بی‌سرپرست یا بدسرپرست را متقبل شوند، در این روش سازمان بهزیستی تحت عنوان امداد ماهانه قریب بر ۰۰۲ هزار تومان برای کودک به آن خانواده پرداخت می‌کند.

مدیرکل بهزیستی سیستان و بلوچستان گفت: با توجه به این روش‌های واگذاری سرپرستی کودکان به خانواده‌ها، به طور میانگین در طول سال ماهانه سرپرستی بین ۰۴ تا ۰۵ کودک به خانواده‌های متقاضی واگذار شده است که در این راه تاکنون در استان بالغ بر ۰۰۴ کودک بی‌سرپرست دارای سرپرست شده‌اند.

سراوانی در پایان افزود: متقاضیان پذیرش سرپرستی کودکان بی‌سرپرست و بدسرپرست در حله اول باید درخواستی با امضاء زوج و زوجه ارائه دهند، سپس در معاونت اجتماعی سازمان بهزیستی برای آنان تشکیل پرونده صورت می‌گیرد، سپس مدارک آنان اخذ و پس از تایید نهایی در سیستم سازمان بهزیستی، پرونده جهت تایید صلاحیت به مراجع قضایی ارجاع داده می‌شود که بعد از تایید این مراجع، کودک به آنان واگذار خواهد شد.

## مادر و ناپدری من را فروختند

فریده موسوی، روزنامه‌نگار

مادر و پدرم طلاق گرفتند. پدر برای ادامه تحصیل به خارج از ایران رفت و مادر ازدواج کرد. من دوازده ساله بودم هر چند که اکنون در مرز ۰۴ سالگی قرار دارم.

اولین فردی که به من تجاوز کرد ناپدری‌ام بود و پس از آن مادر و ناپدری من را می‌فروختند. نه تنها به مردان که به زنانی که مشتری من بودند. من مدرسه می‌رفتم و چاره‌ای نداشتم جز آن که به مدیر مدرسه‌ای که می‌رفتم بگویم. آنقدر بچه بودم که یادم نیست مدیر خوب مدرسه اقدام قانونی کرد یا اساساً نمی‌توانست اقدام قانونی کند ولی آنقدر پیگیری کرد که پدرم را پیدا کرد و پدرم توانست من را از دست آن دو دیو نجات دهد. حالا فکر کنید من پدر نداشتم و یا فردی که به من کمک کند.

من امروز ساکن انگلستان هستم و دو فرزند دارم ولی هیچ‌وقت از زجر و عذاب و ترس‌هایی نداشتم و اگر عشق به کودک‌کام نبود به زندگی خود پایان می‌دادم.

### **قانون و والدین بدسرپرست**

در ایران قانونی برای دور کردن کودک از والدین بدسرپرست وجود دارد و چه بسیار کودکان کار که توسط پدران و مادران خود فروخته می‌شوند. چل پله فرحزاد محله‌ای است که برای تهیه گزارش به آنجا رفتم و سراغی زنی به نام «مادر محمد» را گرفتم. زنی که دلال چنین کودکانی بود. کودکانی که پدران و مادران‌شان آن‌ها را می‌فروختند و اگر مشتری نبود به انواع و اقسام کارها و حتی جرایمی چون خرید و فروش مواد مخدر و دزدی و ساقی‌گری دست می‌زدند.

در کشور ما قانون سلب سرپرستی کودک از والدین بی‌صلاحیت وجود ندارد. میترا در قانون اصلاح و تربیت می‌گوید: «من بچه فنج بودم. در سیزده سالگی توسط پدرم به اجاره می‌رفتم. از خانه فرار کردم و به جرم ولگردی من را گرفتند. حالا زندانم که تمام شود باید دوباره به همان خانه برگردم چون جایی ندارم که بروم. نذر امامزاده صالح کردم که من را همین جا نگه دارند. برای همین هفته پیش دست‌هایم را با یک تیغ خط‌خطی کردم بلکه به دلیل رفتار بد بیشتر نگاهم دارند.»

بدون شک کودکانی که در کنار چنین والدینی زندگی می‌کنند، زمانی که بزرگ شوند چاره‌ای به جز بازگشت به چرخه خشونت و جرم ندارند و شاید به همین دلیل است که اخیراً قوه قضاییه لایحه‌ای در ۵۵ ماده به مجلس شورای اسلامی فرستاده که ۶۲ ماده آن تا کنون در کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس به تصویب رسیده است. در لایحه موادی در نظر گرفته شده که می‌توان اگر پدر و مادری واقعا صلاحیت ندارند سرپرستی کودک را از آن‌ها سلب کرد و به افراد دیگر سپرد. در این لایحه رویکرد دیگری وجود دارد که با حمایت از خانواده، می‌توان کودک را در کنار خانواده نگه داشت ولی به اصلاح خانواده و حمایت از آن‌ها **پرداخت**.

اما آنچه در این میان مهم است شناسایی خانواده‌های بدسرپرست است. قانون باید معلمان و یا پزشکان و کادرهای درمانی و انتظامی را موظف کند که با شناسایی این قبیل کودکان آن‌ها را به دستگاه قضایی معرفی کرده و یا به شکل شاکی خصوصی وارد عمل شوند. دولت باید اقدام به پروژه‌های غربالگری برای شناسایی کودکان آسیب‌دیده کند. کودکان کمتر پیش می‌آید که مشکلات خود را به اطرافیان بگویند. آن‌ها در این شرایط به شدت می‌ترسند و احساس بی‌پناهی می‌کنند. اساساً نمی‌دانند چه بلایی بر سر آن‌ها نازل شده است. در این میان سازمان‌های غیردولتی می‌توانند نقش اساسی و تعیین‌کننده‌ای داشته باشند.

با مادری گفت‌وگو می‌کردم که از تجاوز پدر به دختر خردسال با اطلاع بود و سکوت می‌کرد و من اطمینان داشتم که اگر مادر در شرایط اقتصادی و روحی و حمایت‌های قانونی قرار داشت اجازه نمی‌داد این رفتار تا نوزده سالگی دختر ادامه پیدا کند.

ولی در شرایط کنونی قانون بهترین تنظیم‌کننده روابط غلط و خشونت‌بار علیه کودکان است و باید از والدین بی‌مسئولیت سلب صلاحیت کند.

### هیگلم بوی شیره سوخته می‌داد

سامان ۱۲ ساله است و پدر و مادرش هر دو تریاکی بودند. سامان به اصطلاح خودش دودی شده بود و در همان دوران مدرسه اگر یک روز دیر به خانه می‌رسید حالش خراب می‌شد. سامان امروز جوان موفقی است که به کمک مادربزرگ و عمو توانست از مهلکه فرار کند. سامان می‌گوید من را وادار می‌کردند از خرده تریاک‌ها شیره درست کنم. هیگلم بوی شیره سوخته می‌داد و من بی‌پناه بودم. درس خوب بود و اگر کمک خانواده نبود من و خواهرم نابود می‌شدیم اما همه این شانس را ندارند و کودکان در مقابل چنین والدینی نیاز به حمایت دارند.

سال‌هاست در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته چنین قوانینی وجود دارد و می‌توان از تجربه‌های آن‌ها درس آموخت. سوال اینجاست که اگر خانواده مقدس است چرا باید کودکان در چنین خانواده‌هایی تا مرز مرگ و نیستی پیش بروند. چرا قانون‌گذار از چنین کودکانی حمایت نمی‌کند. سلب سرپرستی کودک از والدین بی‌صلاحیت اتفاقی مثبت برای پایان یافتن درد و رنج کودکان بی‌پناه است. حتی سلب صلاحیت موقت و یا جریمه‌های نقدی و موظف کردن والدین به شرکت در کلاس‌هایی که در نهایت مجوز نگهداری کودک را صادر می‌کنند می‌تواند موثر باشد.

سازمان‌های غیردولتی در این زمینه نقش اساسی بازی می‌کنند و در بسیاری کشورها چنین سازمان‌هایی وظیفه نگهداری این کودکان را به عهده می‌گیرند و حتماً در کشور ما هم خیرین و افراد زیادی هستند که در این زمینه مشارکت گسترده داشته باشند.

### ضرورت تاسیس خانه‌های امن

عبدالصمد خرمشاهی، وکیل دادگستری می‌گوید: «قبل از تدوین چنین قوانینی و خوشحال شدن نسبت به تصویب این قوانین باید توجه کرد که بسترهای مناسب این قوانین را فراهم کنیم. به فرض اینکه فرزندان را از والدین بدسرپرست جدا کردیم، در شرایطی که غیر از بهزیستی هیچ نهاد رسمی دیگری از کودکان حمایت نمی‌کند، چه برنامه‌هایی می‌توان برای فرزندان بدسرپرست داشت؟ مهم‌ترین مسأله‌ای که در این شرایط به آن نیاز داریم وجود خانه‌های امن مناسب برای این کودکان است.»

عبدالصمد خرمشاهی معتقد است در کشورهای پیشرفته، رسیدگی به عدم صلاحیت والدین برای نگهداری از فرزندان‌شان امری متداول است و دلیل اصلی آن هم وجود زیرساخت‌های مناسب حمایتی است. تصویب این قانون امری مثبت و رو به پیشرفت است. هرچه زودتر باید شرایط مناسب برای نگهداری کودکان آسیب‌دیده را فراهم کرد.

به گفته خرمشاهی، فراهم کردن شرایط مناسب برای حمایت از کودکان آسیب‌دیده بر عهده دولت است. دولت باید با برنامه‌ریزی‌های مناسب نسبت به حل کردن این معضل اقدام کند. فراموش نکنیم که خانواده ناهنجار منشا بسیاری از مشکلات بعدی در جامعه است. به



طور قطع خانواده‌های آسیب‌دیده و ناهنجار که در آن والدین خودشان به فرزندان آسیب‌های روحی و جسمی وارد می‌کنند، نمی‌توانند بستری مناسب برای رشد فرزندان سالم و به دور از آسیب باشند. بنابراین هرچه دولت در این زمینه هزینه و امکانات مناسبی فراهم کند در حقیقت سرمایه‌گذاری بلندمدت کرده است.

## جدایی فرزند از والدین بدسرپرست را اتفاقی لاجرم است

چندی پیش محمد علی اسفغانی سخنگوی کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس به خبرگزاری ملت **گفت**: «در لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان بدسرپرست به کودکان کار، کودکان خیابانی، و کودکان بزه‌دیده اشاره شده و تکالیفی برای والدین مشخص شده است.»

نماینده مردم فردین، فریدون‌شهر و چادگان در مجلس شورای اسلامی، افزود: «والدین بدسرپرست، کودکان خود را در معرض آسیب قرار می‌دهند یا کودکان خود را می‌فروشند و یا بدون امکان نگهداری، آن‌ها را رها می‌کنند، لذا در لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان حمایت از این کودکان و رهایی‌سازی آن‌ها از دست والدین بدسرپرست قانونی می‌شود.»

وی با بیان اینکه در لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان، دادگاه موظف به تعیین عدم صلاحیت والدین بدسرپرست است، گفت: «مواردی که طبق آن عدم صلاحیت والدین یا کودک آزاری از سوی والدین مشاهده شود یا گزارشی در این خصوص از سوی سازمان بهزیستی یا ان‌جی‌او‌ها به دستگاه قضایی برسد، سرپرستی این فرزندان از والدین سلب و به سازمان بهزیستی و یا ان‌جی‌او‌ها مورد اطمینان سپرده می‌شود.»

اسفغانی با تأکید بر اینکه لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان تنها از افراد زیر ۸۱ سال حمایت می‌کند، گفت: «در این لایحه علی‌رغم اینکه سلب فرزند به صورت دائم مورد نظر بود اما با بررسی و واکاوی نمایندگان کمیسیون قضایی و حقوقی، با جدایی موقت فرزند از والدین بدسرپرست موافقت حاصل شد.»

## کودکان بدسرپرست، وامانده در تنگنای آزار

Photo: ia\_64/Bigstock.com

ماهرخ غلامحسین پور

هنوز هم وقتی به خاطر می‌آورم تنم به لرزه می‌افتد. طنین سنگین کلمات نه روی پرده گوشم که روی قلبم می‌نشیند. یکی از خبرنگاران محلی یکی از استان‌های جنوبی کشور برایم تعریف می‌کرد که پروازشان تاخیر داشت و روی صندلی‌های فرودگاه کوچک شهری دور نشسته بودند، می‌گفت: «بچه معلول بود، هم معلول ذهنی هم معلول جسمی و حرکتی، ساکن یکی از محروم‌ترین ده‌کوره‌های استان. هم پدر داشت و هم مادر. خانواده‌ای به‌غایت درگیر فقر، آن‌قدر که شب‌های متوالی بچه‌ها سر گرسنه زمین می‌گذاشتند و با وعده‌های دروغین پدر و مادر برای غذا خواب‌شان می‌برد. اتفاقاً هم پدر و هم مادر آدم‌هایی عاطفی بودند و هیچ‌گونه پرونده بدسرپرستی نداشتند. یک شب که از گریه متوالی بچه‌ها عاصی و درمانده می‌شوند، با هم مشورت می‌کنند، مشورتی تلخ و دردناک. کودک معلول خوابیده را می‌گذارند توی یک کارتون بزرگ و می‌کشاند تا وسط جاده، می‌گذارند در معرض عبور ماشین‌ها، با این امید که یک ماشین مدل بالا بیاید... حتی نمی‌توانم کلماتی در خور حسم پیدا کنم. می‌خواستند با پول بیمه احتمالی جان بقیه بچه‌ها را نجات بدهند. شش بچه دیگرشان داشتند از گرسنگی می‌مردند. یک ماشین از راه می‌رسد و زیر نور ماه و از دور تلاش زن و مرد را می‌بیند. شک می‌کند. می‌ایستد حاشیه جاده. زیر نظرشان می‌گیرد و وقتی آن‌ها پشت درخت‌ها محو و پنهان می‌شوند، خودش را می‌رساند بالای کارتون در بسته و کودک را می‌برد بهزیستی.»

«این کلمات تلخ‌ترین کلمات عمرم بودند. هنوز هم بعد از این همه سال با یادآوری لحظه‌های سربی سنگینی که آن مادر و پدر گذرانده‌اند قلبم یخ می‌زند. با یادآوری این که شاید کودک توی مرکز بهزیستی بیاید و بزرگ بشود و بفهمد ماجرا را.»

تکلیف کودکان بی‌سرپرست مشخص است. می‌شود لبه تیغ سرزنش را گرفت سمت جامعه، حقوقدان‌ها، بی‌کفایتی سازمان‌های مربوطه، بی‌توجهی اماکن حمایت‌گر کودکان یا سازمان‌های فعال غیردولتی. اما تکلیف کودکان بدسرپرست چه می‌شود؟ آن‌هایی که پدر و مادر دارند اما یتیمند؟ آیا می‌شود از والدینی که نسبت به حقوق کودکان‌شان کوتاهی می‌کنند شکایت کرد؟ قانون برای حمایت از این کودکان

موسی برزین خلیفه‌لو، وکیل و پژوهش‌گر با اشاره به این که گرچه حضانت و نگهداری از کودک از حقوق والدین است اما این حق، مطلق و غیرقابل سلب نیست، به خانه امن می‌گوید: «حضانت فرزند در صورت سلب صلاحیت و شایستگی یکی از والدین، به هر دلیل، از عهده او ساقط شده و به دیگری سپرده می‌شود، اما اگر پدر و مادر، هر دو شرایط و صلاحیت نگهداری از کودک را نداشته باشند، بنا به مصلحت کودک و اجتماع، حضانت و نگهداری او به اشخاص دیگری واگذار می‌شود.»

این حقوق‌دان به نقص و ابهامات قانون در مورد حمایت از کودکان بدسرپرست اشاره می‌کند: «در قانون ایران اگر والدین، شایستگی حضانت کودک را نداشته باشند، مثلاً به شکل زیان‌آوری به الکل و مواد مخدر اعتیاد داشته یا به فساد اخلاقی شهره باشند، طفل را ضرب و جرح کنند یا از او در مسیر مشاغل ضد اخلاقی مثل تکدی‌گری سوءاستفاده کنند، یا به بیماری روانی مبتلا باشند، این وظیفه به جد پدری واگذار می‌شود. اما در صورتی که جد پدری در قید حیات نباشد یا به دلایلی صالح به نگهداری کودک نباشد، تعیین سرپرست به عهده دادگاه خواهد بود. در این صورت محکمه قضایی الزامی به سپردن کودک به اقوام و نزدیکانش ندارد اما محاکم ایران در صورتی که اقربای طفل، داوطلب نگهداری او باشند، طفل را به آن‌ها واگذار می‌کند.»

او در پاسخ به این سوال که «کدام یک از اقوام در الویت اخذ حق سرپرستی کودک بدسرپرست هستند؟» پاسخ می‌دهد: «طبق تبصره دو ماده هشت قانون تازه‌ای که در سال 1392 تصویب شده است در صورت وجود اقوام طبقه دوم سرپرستی به آن‌ها واگذار می‌شود و اگر تعداد متقاضی بیش‌تر از یک نفر باشد، سرپرست کودک با قید قرعه توسط دادگاه انتخاب می‌شود. اما اگر کودک بدسرپرست قوم و خویشی نداشته باشد، طبق ماده ده قانون حمایت از کودکان بی‌سرپرست یا بدسرپرست، دادگاه می‌تواند تحت نظارت سازمان بهزیستی، مسئولیت او را به یکی از درخواست‌کنندگان سرپرستی کودک واگذار کند، گرچه تعیین صلاحیت درخواست‌کنندگان از جمله وظایف سازمان بهزیستی است.»

### طبق قانون جدید، سازمان‌های غیر دولتی، حق طرح دعوا دارند

به اعتقاد برخی مدافعان حقوق کودک، شرایط کودکان بدسرپرست کمی دشوارتر از کودکان بی‌سرپرست است. چراکه نص قانون در مورد کودکان بی‌سرپرست، واضح و روشن و حمایت‌گر است، حتی اگر این حمایت به دلیل نقص سیستم‌های حمایتی در ایران چندان هم موثر نباشد. اما کودکان بدسرپرست به ندرت شناسایی می‌شوند، آن‌ها در تاریکی و ابهام بدسرپرستی و آزار باقی می‌مانند، کودکان بسیاری هستند که علی‌رغم این که دارای پدر و مادر، قیم و یا به‌طور کلی سرپرستانی به ظاهر موجهند، اما عملاً به دلیل بدی یا ناتوانی عمل‌کرد سرپرستان‌شان در خفا، در معرض خسارت‌های جبران‌ناپذیری قرار می‌گیرند.

محمد مصطفایی، وکیل دادگستری و مدافع حقوق کودکان به این سوال که در این گونه موارد حقوق ایران چه تدابیری را برای حمایت از این کودکان پیش‌بینی کرده و نقاط ضعف و قوت قوانین در این موارد چیست؟ پاسخ می‌دهد: «در کشورهای اروپایی برای حمایت از کودکانی که بیم بدسرپرستی‌شان می‌رود، در خانه والدین مانتیور می‌گذارند. اما در ایران چنین روشی هنوز عملی نشده است. اما خوش‌بختانه اخیراً در رابطه با کودکان بدسرپرست یا بی‌سرپرست شعباتی در دادگستری تشکیل شده است تا اگر کودکی در مورد مسئله سرپرستی درگیر نقص و مشکل بود، موردش در این دادگستری‌ها مورد رسیدگی قرار بگیرد. در قانون جدید ماده قانونی بسیاری خوبی وجود دارد، ماده‌ای که می‌تواند در صورت هوشیاری، شرایط بسیاری از کودکان را بهبود ببخشد. طبق این ماده انجمن‌های مدافع حقوق کودک و سازمان‌های غیردولتی اگر با مسئله کودک‌آزاری یا حتی بدسرپرستی مواجه شدند، حق طرح دعوا دارند و این مسئله در نوع خودش اتفاق خوبی است.»

او به این نکته اشاره می‌کند که «مواد قانونی برای حمایت از کودکان بدسرپرست وجود دارد. اما مشکل اساسی، مواردی مثل اجرای این قانون‌ها و ضمانت اجرایی کردن آن‌ها یا اجرای مقرراتی است که در رابطه با این قبیل کودکان وضع شده‌اند.»

به گفته این حقوق‌دان «اراده‌ایی در این مورد وجود ندارد و جای خالی دستگاه مستقلی که مدافع حقوق کودکان باشند احساس می‌شود. امکاناتی هم وجود ندارد. در کشورهای پیشرفته قسمت عظیمی از بودجه کشور به کودکان اختصاص می‌یابد. کودکان بی‌سرپرست یا بدسرپرست بیش‌تر از افراد عادی مورد توجه قرار می‌گیرند و حتی اگر کودکی بدسرپرست باشد خانواده دیگری می‌تواند او را به فرزندپذیری بپذیرد و دولت حقوق و مستمری به آن‌ها پرداخت می‌کند.»

این وکیل دادگستری که وکالت پرونده بسیاری از کودکان محکوم به قصاص را در ایران به عهده داشته تأکید می‌کند که: «اکنون زمان آن است که سازمان‌های فعال در حوزه حقوق کودکان در این مورد عمل کرده و در پی شناسایی این کودکان باشند، بگردند و ببینند چه کودکانی سرپرستان بدی دارند و از نظر جسمی یا روحی و روانی در معرض آسیبند.»

به گفته‌ی او: «مطابق قانون جدید اگر در ایران کودکی بدسرپرست باشد این امکان وجود دارد که دادگاه برای او قیم تعیین کرده و انجمن‌های حمایت‌گر کودک می‌توانند در این مورد اقدام کنند. بر اساس قانون هیچ پدر و مادری حق وارد کردن آسیب جسمی، روحی و

روانی به کودک را ندارد. قوانین وجود دارند اما اراده و امکانات کافی برای اجرای این قوانین وجود ندارد.»

---